

دوفصلنامه علمی - تخصصی روابط آسیا آفریقا، دوره اول شماره ۱ / بهار و تابستان سال ۱۴۰۳

## بررسی رویکرد اصلاح‌گرایانه دینی عبدالحمید بن بادیس در رویارویی با استعمار فرنگی فرانسه در الجزایر

\* مجید منهاجی<sup>۱</sup>

۱- دکتری تاریخ اسلام- دانشگاه تربیت مدرس تهران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

### چکیده

عبدالحمید بن بادیس (۱۸۸۹-۱۹۴۰ م)، از بزرگ‌ترین شخصیت‌های دینی اصلاح‌گرای معاصر در الجزایر و در عرصه جهان عرب و اسلام به شمار می‌رود. دیدگاه‌های وی درباره احیا و اصلاح اندیشه دینی و چگونگی سامان بخشیدن به اوضاع نابسامان مسلمانان در دوران معاصر، بر اندیشمندان هم‌دوره‌اش در شمال افریقا و به ویژه شاگردان و عالمان دینی دهه‌های اخیر پس از سید جمال الدین اسدآبادی تأثیر فراوانی گذاشته است. الجزایر یکی از مستعمرات مهم فرانسه بود، که بزرگ‌ترین نمونه‌های استعمار در تاریخ استعمار مدرن اروپا به شمار می‌رود. فرانسه در الجزایر پیش و بیش از موضوع نظامی به سیاست‌های فرنگی آگاهانه و منظم توجه کرد. استراتژی استعمار فرانسه در زمینه فرهنگی در الجزایر مبتنی بر کاربست همه ابزارهای موجود در راستای از بین بردن ساختارهای فرهنگی و معنوی آنجا بود، تا ساختارهای فرانسوی-غربی و دیگر اهداف خود را جایگزین سازد. در زمانی که استعمار فرانسه کوشید مردم الجزایر را از هویت اسلامی و ملی تهی کند و حتی در نهایت تصمیم گرفت که الجزایر را ضمیمه خاک فرانسه سازد، عبدالحمید بن بادیس با تأسیس «جمعیت العلماء المسلمين»، تلاش کرد با احیای اسلام و زبان و فرهنگ عربی و تکیه بر روح ملی، توطئه‌های استعمار را خشی نماید. وی با در پیش گرفتن خطمشی فرهنگی آموزشی، تأثیر زیادی بر عرصه سیاسی الجزایر گذاشت و ضربات سختی به استعمار فرانسه وارد کرد.

\* Email: mmajid.menhaji@gmail.com

پژوهش حاضر رویکردی توصیفی-تحلیلی دارد و هدف اصلی آن، بررسی رویکرد اصلاح‌گرایانه دینی عبدالحمید بن بادیس در رویارویی با استعمار فرنگی فرانسه در الجزایر است. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از: ویژگی‌های گفتمان عبدالحمید بن بادیس چیست؟ اقدامات راهبردی جنبش عبدالحمید بن بادیس در رویارویی با استعمار فرنگی فرانسه در الجزایر چیست؟ عبدالحمید بن بادیس به عنوان ادامه دهنده راه محمد عبده و رشید رضا، فعالیت‌های خود را بر سه محور عمده متمرکز کرده بود: تلاش برای احیای ریشه‌های دین اسلام، تلاش برای احیای زبان عربی و مبارزه با خرافات و بدعت‌ها. ماهیت جنبش بادیسیه، دینی، سیاسی، اجتماعی و ملی گرایانه بود. با توجه به شرایط دوران عبدالحمید بن بادیس، او معتقد بود که پیش از استقلال سیاسی، ضروری است با یک حرکت اجتماعی و فرهنگی، آثار و پیامدهای منفی استعمار فرانسه را از بین برد.

### **واژگان کلیدی:** جهان عرب، الجزایر، اصلاح‌گرایی دینی، عبدالحمید بن بادیس، استعمار فرنگی فرانسه.

#### **مقدمه**

ورود استعمار به جهان اسلام، همگام با استبداد داخلی بود؛ از سوی دیگر از اوآخر قرن هجدهم میلادی و پس از پایان جنگ جهانی دوم، اصلاح‌گرایان و متفکران انقلابی ظهور کردند، که منادی یک رنسانس عمومی اجتماعی بودند. از چهره‌های بر جسته در این دوره سید جمال الدین اسدآبادی است، که پیشگام جنبش‌های اصلاح‌گرایانه در جهان اسلام به شمار می‌رود. الجزایر یکی از مستعمرات مهم فرانسه بود، که بزرگترین نمونه‌های استعمار در تاریخ استعمار مدرن اروپا به شمار می‌رود. فرانسه در الجزایر پیش و بیش از موضوع نظامی به سیاست‌های فرنگی آگاهانه و منظم توجه کرد. استراتژی استعمار فرانسه در زمینه فرهنگی در الجزایر مبتنی بر کاربست همه ابزارهای موجود در راستای از بین بردن ساختارهای فرنگی و معنوی آنجا بود، تا ساختارهای فرانسوی-غربی و دیگر اهداف خود را جایگزین سازد. استعمار فرانسه در نخستین گام به مبارزه با زبان عربی و محدودسازی آن و تحریف تاریخ اسلام و الجزایر پرداخت؛ از این‌رو مدرسه فرانسوی را برای جذب نخبگان تأسیس کردند و تا حدودی موفق شدند با استفاده از روزنامه، تئاتر، سینما، رادیو و... فرهنگ غربی-فرانسوی را ترویج کنند.

«عبدالحمید بن محمد المصطفی صنهاجی» معروف به «عبدالحمید بن بادیس» یا «ابن بادیس» (۱۳۱۹-۱۲۶۸هـ / ۱۸۸۹-۱۹۴۰م)، یکی از بر جسته‌ترین اندیشمندان اصلاح‌گرایانه جهان عرب و الجزایر به شمار می‌رود. وی در زمرة مریدان سید جمال الدین، محمد عبده و رشید رضا است.

عبدالحمید بن بادیس کوشید با تأسی از اندیشه‌های آنها به تأسیس نهادها و روزنامه‌های مختلف پردازد. ظهور جنبش اصلاح‌گرایی در الجزایر بازتاب اندیشه‌های سیدجمال الدین اسدآبادی و محمدعبدی است. اما پس از حضور جریان سلفی، رویکرد رشیدرضا پیشگام این عرصه گردید. بنابراین چندین حرکت اصلاح‌گرای فردی و پراکنده صورت گرفت. اما سرانجام در صدمین سالگرد استعمار فرانسه بر الجزایر، با تدبیر عبدالحمید بن بادیس یک حرکت اصلاح‌گرایانه جمعی و رسمی یعنی جمعیت علمای مسلمان به راه افتاد. آثار این جنبش، جنبه‌ای متعالی از وحدت فکری در مغرب را ثبت کرد. این وحدت براساس سه گزاره یعنی دین اسلام، زبان عربی و حسن ملی گرایانه الجزایری حاصل شد. ماهیت جنبش بادیسیه، دینی، سیاسی، اجتماعی و ملی گرایانه بود. با توجه به شرایط دوران ابن بادیس، او معتقد بود که پیش از استقلال سیاسی، ضروری است با یک حرکت اجتماعی و فرهنگی، آثار و پیامدهای منفی استعمار فرانسه را از بین برد.

این مقاله به بررسی و نقد رویکرد اصلاح‌گرایانه دینی عبدالحمید بن بادیس در الجزایر می‌پردازد:

بخش نخست\_ بررسی عصر عبدالحمید بن بادیس؛

بخش دوم\_ آراء و جنبش اصلاح‌گرایانه بادیسیه در الجزایر؛

بخش سوم\_ بررسی تأثیر اندیشه‌های سیدجمال الدین اسدآبادی بر جنبش بادیسیه.

### **پیشینه پژوهش**

در زبان فارسی پیرامون کشور الجزایر، انقلاب ۱۹۶۲م. مبارزین الجزایری، استعمار فرانسه در آنجا و... مقالات، کتاب‌های بسیاری نگاشته شده است؛ اما نقش و بررسی رویکرد اصلاح‌گرایانه عبدالحمید بن بادیس را باید در لابه‌لای کتاب‌ها و مقالات جستجو کرد.

- حسن یوسفی اشکوری در مدخل «عبدالحمید بن بادیس» (دایره المعارف بزرگ اسلامی)، این اثر تنها اثر جامع در زمینه معرفی عبدالحمید بن بادیس و اقدامات و اندیشه‌های وی به زبان فارسی است.

- عباس برومنداعلم در مقاله «ظہور و کارکرد اسلام سیاسی در روند استقلال الجزایر» (۱۳۹۱)، صرفاً به بررسی جریان اسلام‌گرایی و اقدامات آنها در مقابله با استعمار فرانسه پرداخته و به صورت کوتاه به اقدامات عبدالحمید بن بادیس اشاره کرده است.
- عباس برومنداعلم مقاله «جهاد صوفیان در مغرب اسلامی؛ مقاومت اسلامی امیر عبدالقادر الجزایری و دیگر مشایخ صوفیه در برابر استعمار فرانسه ۱۸۳۰-۱۸۹۰» (۱۳۹۰) به بررسی مقاومت برخی از صوفیان الجزایری به ویژه امیر عبدالقادر پرداخته است. این مقاله به بررسی اقدامات صوفیان پیش از عبدالحمید بن بادیس اشاره می‌کند. برای ارائه مباحث مقدماتی مقاله در خوری به شمار می‌رود.
- در الجزایر و برخی دیگر از کشورهای شمال آفریقا همچون تونس و مغرب، آثار زیادی اعم از کتاب، مقاله، پایان‌نامه، همایش و... درباره شخصیت و مبارزات عبدالحمید بن بادیس عرضه شده است. از مهم‌ترین آنها که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته؛ عبارتنداز:
- کتاب رایح ترکی با عنوان «الشيخ عبدالحميد بن باديس رائد الاصلاح و التربية في الجزائر» (۲۰۱۱)، کتابی جامع و مهم درباره شخصیت، اقدامات و اندیشه‌های بن بادیس است.
- کتاب عمار الطالبی با عنوان «بن بادیس حیاته و آثاره» (۱۹۶۸)، اثری مهم درباره عبدالحمید بن بادیس و نقش اندیشمندان شرق اسلامی بر روی از جمله سید جمال الدین اسدآبادی پرداخته است.

## ۱- نمای کلی و حاکم در عصر عبدالحمید بن بادیس (۱۸۸۹-۱۹۴۰)

- اقدامات و رویکرد اصلاح‌گرایانه بن بادیس به خودی خود اهمیت زیادی دارند؛ اما پیش و پیش از بررسی آنها، ضروری است مهم‌ترین شرایط حاکم در عصر عبدالحمید بن بادیس را مرور کنیم و باید با گذر از همین شرایط، جنبش بادیسیه را تحلیل کنیم؛ این شرایط عبارتند از:
- ۱- گسترش فزاینده مدارس و مراکز علمی همچون مدرسه فرانسوی، دانشگاه الجزایر و... از سوی استعمار فرانسه. براساس آمارها، تا سال ۱۹۳۰ م. بیش از هزار مدرسه ابتدایی،

دیبرستان و مراکز علمی در سراسر الجزایر توسط اشغالگران تأسیس شد. (حمیداتو، ۱۹۹۷: ۴۵-۴۶)

۲- مهاجرت فرانسوی‌ها و اروپاییان برای اقامت در الجزایر و تغییر ترکیب و بافت اجتماعی و فرهنگی مردم الجزایر به ویژه جوانان. (خیرالدین، ۲۰۰۲: ۳۲۴/۱)

۳- مصادره موقوفات مدارس علمیه دینی، مساجد و زاویه‌ها و وابستگی علماء و مشایخ به اشغالگران. (حمیداتو، ۱۹۹۷: ۴۸) از سوی دیگر، نخستین چیزی که استعمار فرانسه حتی پیش از کنترل و نظارت علماء و مشایخ برآن تمرکز کرد؛ ضبط موقوفات بود که از ستون‌های اساسی مساجد و زاویه‌ها محسوب می‌شد. استعمار فرانسه براین باور بود که موقوفات موجب اخلال نظام اقتصادی و تعیین شده از سوی دولت فرانسه و تحکیم جایگاه علماء و مشایخ است. بدین ترتیب موقوفات بزرگترین منع مالی استعمار فرانسه گردید؛ به‌گونه‌ای که پیوسته برای خروج از رکود و تعادل عرضه و تقاضا از آن به ویژه در سه اقلیم یعنی اقلیم غرب (وهران)، اقلیم شرق (الجزیره‌پایتخت) و اقلیم وسط (قسنطینه) استفاده می‌شد.

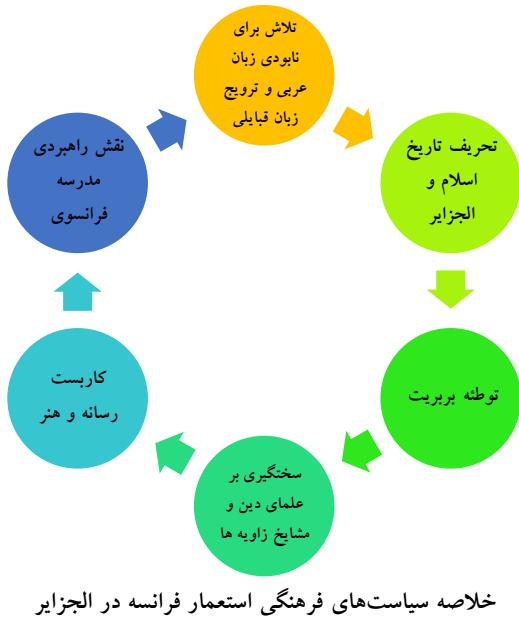
۴- محدودیت و به تدریج ممنوعیت آموزش زبان عربی و توسعه زبان فرانسه و زبان محلی آمازیغی. (ناصر، ۲۰۰۷: ۱۵/۲)

۵- سختگیری و اعمال محدودیت بر علماء و مشایخ؛ نقش آفرینی موفق صوفیه در الجزایر، نقطه عطفی در تاریخ جنبش اسلامی منطقه مغرب محسوب می‌شود. می‌توان گفت آنها تنظیم‌کننده اصلی روابط و امور اجتماعی بودند. بررسی و تحلیل بخش وسیعی از تحولات تاریخ معاصر مغرب اسلامی به ویژه در الجزایر در گروه شناخت جایگاه جریان‌های صوفیه و نقش آفرینی رباطها و خانقاہ‌هاست. (برومند، ۱۳۹۰: ۴۱-۴۲) سیاست‌های استعمار فرانسه، تبعید و زندانی کردن علماء، امامان جماعت و جمعه همچون شیخ مصطفی الکبابطی و محمد بن العنابی (معروف به المفتی العنابی) بود و یا بزرگانی همچون صالح بن مهنا را از امامت مسجد جامع پایتخت عزل و دستگیر کردند. بدین ترتیب سیاست‌های سختگیرانه بر ضد علمای دین روزبه روز افزایش یافت. تخریب مساجد و از جمله مسجد بزرگی در پایتخت به نام «جامع السید» در همان سال نخست استعمار (۱۸۳۰) از دیگر سیاست‌های استعمار فرانسه است. همچنین استعمار فرانسه

در راستای کنترل مساجد و امامان جماعت و کارمندان آن، منشوری در سال ۱۸۵۱ صادر کرد؛ از جمله موارد مطرح در این منشور عبارتنداز: درجه‌بندی مساجد به پنج درجه، رتبه‌بندی خطباء و امامان جماعات، حتی قاریان و مؤذنان و... با این منشور رسمًا مساجد و بقاع متبرکه به بخش‌های تابعه فرانسه تبدیل شدند. (سعده‌الله، ۱۹۹۸: ۴/ ۳۹۰-۳۹۱)

<sup>۶</sup>- مهاجرت علماء و اندیشمندان از الجزایر؛ مهاجرت الجزایری‌ها به کشورهای شرق اسلامی و فرانسه یکی از پیامدهای سیاست‌های فرهنگی استعمار در الجزایر است، که نوعی مقاومت منفی و رد سیاست‌های استعماری محسوب می‌شد. دهه نخست قرن بیستم شاهد مهاجرت بسیاری از علماء و اندیشمندان الجزایری به کشورهای اسلامی همچون مصر، تونس، حجاز و سوریه بود. مهم‌ترین گروه مهاجر، محصلان بودند، که از طریق بورس تحصیلی و یا مهاجرت آزاد از الجزایر کوچ کردند. (خلیل، ۲۰۱۳: ۲۸-۲۹) مهاجران به مصر، دمشق و حجاز بیشتر محصلان علوم دینی بودند، که بعد‌ها جمعیت علمای مسلمان و احزاب سلفی را بنیان‌گذاری کردند؛ از جمله عبدالحمید بن بادیس، محمد بشیر الابراهیمی، قدور بن رویله و... (سعده‌الله، ۱۹۹۸: ۵/ ۲۸۲-۲۸۵)

<sup>۷</sup>- استفاده استعمار فرانسه از رسانه (روزنامه و رادیو) و هنر (تئاتر و سینما)؛ رهبران و نظریه‌پردازان استعمار فرانسه دریافتند که نقش رسانه‌ها و هنر در راستای سیاست‌های فرهنگی استعماری راهبردی است؛ از این‌رو، از مطبوعات، رادیو، تئاتر و سینما با عنوان ابزارهایی با سرعت تأثیرگذاری بالا نام می‌برند. این‌امر را توسل به روش غیرنظمی تلقی می‌کردند. (ربیع، ۱۹۷۴: ۳۷) فرانسه از ابتدای اشغال به‌دبال تبلیغات و انتشار موقعيت، اخبار پیروزی‌ها و دیگر سیاست‌های خود بود و از همان سال نخست (۱۸۳۰/۰۶/۲۵) نخستین نشریه را راه‌اندازی کردند، که بخشی از حوادث منطقه‌ای و بخش اعظم آن تبلیغات برای ارتش فرانسه بود. (بوقرن، ۲۰۰۵: ۳۱۶) پس از آن چند روزنامه حکومتی با خط‌مشی فرهنگی استعمار فرانسه سر برآوردند، که بیانگر دیدگاه‌ها، اخبار و مسائل مربوط به استعمار فرانسه در الجزایر بود. (الزییر، ۱۹۸۲: ۱۴/۳) از جمله: المرشدالجزایری (۱۸۳۲) المبشر، الصدی (در بین سال‌های ۱۸۷۶-۱۸۷۷) و المغرب (۱۹۰۳).



خلاصه سیاست‌های فرهنگی استعمار فرانسه در الجزایر

## ۲- تبارشناسی جنبش‌های اصلاح‌گرایانه و مقاومت در الجزایر

پیش از بررسی جنبش فرهنگی-اجتماعی بادیسیه، ضروری است به تبارشناسی جنبش‌های اصلاح‌گرایانه و مقاومت الجزایر پردازیم. ابتدا به بیان تقسیم‌بندی سیر حرکتی جنبش اصلاح-گرایانه خواهیم پرداخت و سپس به حرکت‌های مقاومتی الجزایر می‌پردازیم. این دوره‌ها با یکدیگر همپوشانی دارند؛ اما هدف ارائه دو تقسیم‌بندی از منظر دو خوانش اصلاح‌گرایان براساس رویکرد فرهنگی و جنبش مقاومتی مبتنی بر رویکرد میدانی است.

جنبش اصلاح‌گرایانه در الجزایر از قرن نوزدهم میلادی و پیش از ورود استعمار فرانسه شکل گرفت، که چهار مرحله مهم و متفاوت از یکدیگر را پشت سر گذاشته است؛ این مراحل عبارتنداز: نخست-مدرسه سنتی (۱۸۲۰-۱۸۴۸م): از ویژگی‌های برجسته این دوره، دعوت به جهاد و علم است. اخراج، تبعید، سختگیری و ابتدایی بودن ابزارهای ارتباطی، حرکت اصلاح‌گرایانه الجزایری-ها را وارد مرحله کم‌رنگ و انفعالی کرد؛ این دوره، همراه با دو مقاومت بزرگ یعنی جنبش امیر عبدالقادر الجزایری (۱۸۸۳م) و احمدبای (۱۸۵۰م) است. شکست این قیام‌ها، تأثیر مخربی بر نخبگان الجزایری گذاشت؛ زیرا تنها برخی از مناطق قبایلی و جنبش مقاومت محمد‌الامجد بن عبدالمالک معروف به الشریف بوبgle، (۱۸۵۴م) و لاله فاطمه نسومر (۱۸۶۳م) باقی مانده بود که در سال ۱۸۵۷م. شکست خوردند. در این دوره استعمار فرانسه، نخبگان و بزرگان الجزایری را

اخراج و تبعید کرد و یا آنها به کشورهایی همچون تونس، مغرب و کشورهای شرق عربی همچون مصر مهاجرت کردند. بدین ترتیب در پایان این دوره، الجزایر از اندیشمندان اصلاح‌گرا خالی گردید. (هلال، ۱۹۸۴: ۱۱۹-۱۲۵) از بزرگان این دوره می‌توان به افراد مختلف اشاره کرد؛ از جمله: امیر عبدالقادر، حمدان بن عثمان خوجه (د. ۱۸۴۲م) صاحب کتاب «المرآه»، ابن‌العنابی صاحب کتاب «السعی المحمود فی انتظام الجنود»، ابن الكبابطی فقیه مشهور و قدور بن رویله کاتب و همراه امیر عبدالقادر.

**دوم- مدرسه محضرمی (۱۸۴۸-۱۸۸۰م)**: این مدرسه شامل گروهی از نویسندهای از نویسندهای این دوره است، که به دنبال برقراری ارتباط با آداب و رسوم گذشته و تمدن غربی بودند. در این دوره موقیت چشم‌گیری را شاهد نیستیم. از بزرگان این مرحله می-توان به محمد الشاذلی القسطنطینی (د. ۱۸۷۷م)، علی بن موسی، الطیب بن مختار اشاره کرد؛

**سوم- مدرسه روشنگری (۱۹۱۴-۱۸۸۰م)**: این مدرسه بیشتر به رویدادهای سیاسی و اجتماعی اروپا به ویژه پس از ظهر جمهوری سوم فرانسه و ورود اروپا به جنگ جهانی اول پیوند خورده است. در این دوره، جنبش انقلابی و فکری سید جمال الدین در مصر پدیدار گردید. از بزرگان الجزایری این دوره می‌توان به افراد ذیل اشاره کرد: ابوالقاسم الحفناوی (د. ۱۹۴۳م) صاحب کتاب «تعريف الخلف برجال السلف»، عبدالرحمن التلمسانی، عبدالقادر المجاوي (د. ۱۹۱۴م) صاحب رساله «ارشاد المتعلمين»، در اوخر این دوره، بزرگانی همچون شیخ محمود کحول مدیر مسئول روزنامه «کوکب افريقيا»، المولود بن الموهوب (د. ۱۹۳۹م) و ابوبکر الحسني نیز ظهور کردند. (الطالبی، ۱۹۶۸: ۱/ ۲۵-۱۹) از ویژگی‌های برجسته این دوره عبارتنداز:

۱ - متأثر از مدرسه فرانسوی؛

۲ - دارای خوانشی متجددانه نسبت به مبانی اسلامی؛

۳ - وطن‌پرستی آنها متأثر از فرانسه و غرب بود.

**چهارم- مدرسه اصلاح‌گرایانه (۱۹۱۴-۱۹۵۴م)**: این مدرسه عصاره مدارس پیشین محسوب می‌شود؛ با این تفاوت که اقدامات فرهنگی و علمی شخصیت‌های مختلف الجزایری در راستای یک حرکت انقلابی است. می‌توان گفت این دوره، زمینه‌ساز

حرکت‌های مسلحه از نوامبر ۱۹۵۴ و انقلاب ۱۹۶۲ م. بود. از مهم‌ترین شخصیت‌های این دوره، عبدالحمید بن بادیس است که اقدامات علمی، فرهنگی و اجتماعی گسترده‌ای را سازماندهی و بسیامان کرد. پس از عبدالحمید بن بادیس، می‌توان از امیر خالد نوه امیر عبدالقادر مدیر مسئول روزنامه «الاقدام»، محمد العید آل خلیفه (د. ۱۹۷۹ م) و البشیر الابراهیمی (د. ۱۹۶۵ م). (مهم‌ترین نماینده و جانشین عبدالحمید بن بادیس) نام برد. در این دوره، عبدالحمید بن بادیس با همکاری الطیب العقبی و البشیر الابراهیمی یک حرکت اصلاح‌گرایانه گسترده‌ای به راه انداخت. حرکت وی توسط محمد العید آل خلیفه، الامین العمودی (د. ۱۹۵۷ م)، الهادی سنوسی، احمد بن العابد العقبی (د. ۱۹۶۰ م)، مولود الحافظی (د. ۱۹۴۸ م)، احمد رضا حوحو (د. ۱۹۵۶ م) تقویت شد. (ترکی، ۱۹۸۱: ۷۹) این دوره، دوره الگوبرداری از اندیشه‌های سید جمال الدین بهشمار می‌رود. در این دوره جمعیت‌ها و حرکت‌های مختلفی ظهور کردند که بیشتر رویکرد فرهنگی-علمی داشتند، از جمله:

- **جمعیت صادقیه:** با هدف تربیت قرآنی کودکان و بزرگسالان به ریاست سید‌العربی شریف؛
- **جمعیت توفیقیه:** در سال ۱۹۰۸ م، هدف اولیه این جمعیت فرهنگ‌سازی و توسعه اندیشه‌های علمی و اجتماعی، به ریاست دکتر بن التهامی (د. ۱۹۳۶ م). بود؛
- **جمعیت راشدیه:** در سال ۱۹۰۲ م، به دست فارغ‌التحصیلان مدارس فرانسوی و با هدف تعامل و برقراری روابط میان الجزایری‌ها بینانگذاری شد. اقدامات این گروه، بسترسازی و انجام فعالیت‌هایی همگام و همراه با استعمار فرانسه بود؛
- **جمعیت خیریه:** در سال ۱۹۰۷ م، به ریاست الطیب العقبی (د. ۱۹۶۱ م) و با هدف جمع‌آوری اعانت و صدقات برای محروم‌مان تشکیل شد؛

از سوی دیگر باید به سیر تاریخی جنبش مقاومتی الجزایری‌ها نیز اشاره کنیم، که عبارتند از: مرحله نخست- شکل منظم و سازمان یافته از ۱۸۳۰ تا ۱۸۴۷ م: برجسته‌ترین جنبش‌های مقاومتی این دوره عبارتند از: جنبش مقاومتی امیر عبدالقادر در غرب الجزایر از ۱۸۳۳ تا ۱۸۴۷ م،

احمدبای در شرق کشور از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۷م. و جنبش مقاومتی لاله فاطمه نسومر بین سال‌های ۱۸۵۱-۱۸۵۷م. (نایلی، ۲۰۱۳: ۴۱)

مرحله دوم- مقاومت عمومی و پراکنده مردمی از ۱۸۴۸ تا ۱۹۱۸م: (علوش، ۲۰۱۳: ۳۸۲) این دوره، شامل حرکت‌های پراکنده در سراسر کشور است و می‌توان آن‌ها را در سه بخش خلاصه کرد:

۱- شخصیت‌های سیاسی: از جمله حمدان بن عثمان خوجه؛

۲- شخصیت‌های دینی؛ شخصیت‌های برجسته دینی اعم از علمای دین و مشایخ زاویه‌ها؛ از جمله، محمد بن زعمون(د. ۱۸۴۳م)، الحاج سی السعدي، الاغا محی الدین بن المبارک و...؛

۳- نمایندگان دولت عثمانی؛ در سال ۱۵۱۸م، الجزایر توسط خیرالدین و برادرش تحت سلطه امپراتوری عثمانی درآمد. پیش از چیرگی فرانسه، کشوری نیمه مستقل به شمار می‌رفت و اداره کشور به دست یک شخص که با لقب (داعی) نامیده می‌شد، اداره می‌گردید. الجزایر به سه استان بزرگ تقسیم شده بود و اداره هر استان به دست یک نفر که به عنوان (بای) خوانده می‌شد. پس از سقوط بای‌ها که نمایندگان دولت عثمانی بودند؛ اقدامات مبارزاتی در دفاع از منافع شخصی و حکومت عثمانی انجام دادند؛ از جمله، مصطفی بومرزاق بای التیطری (حک: ۱۸۰۹-۱۸۳۰م) و فرزنداش سی احمد و ابراهیم و الحاج احمدبای بن محمدالشريف (د. ۱۸۵۰م) (بای قسطنطینه در زمان ورود اشغال‌گران فرانسوی به الجزایر). (نایلی، ۲۰۱۳: ۴۱-۴۲)

مرحله سوم- مبارزه علیه استعمارگران فرانسوی از ۱۹۱۹ تا ۱۹۵۴م: این دوره را می‌توان عصر مبارزه با رویکرد سیاسی- فرهنگی خواند؛ زیرا این دوره با اقدامات امیرخالد و پیکارهای انتخاباتی، تشکیل جلسات، ارائه دادخواست‌ها و... آغاز شد، که سرانجام او از کشور تبعید شد. به‌دلیل آن، احزاب سیاسی، جمیعت‌های دینی، فرهنگی و ورزشی ظهرور کردند. در رأس احزاب و نهادهای معروف «نجم شمال افريقيا» است، که به «الحزب الشعب الجزائري» و سپس به «الحركة الانتصارات للحربيات الديمقراطيه» تبدیل شد. همچنین می‌توان از سه جریان مؤثر این دوره نام برد؛ جمیعت

علمای مسلمان (جمعیه العلماء المسلمين الجزائريين) و حزب کمونیست الجزایر (الحزب الشیوعی الجزائري) حزب اتحاد (حزب الاتحاد الديمقراطي للبيان الجزائري). (العلوی، ۱۹۹۴: ۲۱)

مرحله چهارم از ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۲م: این مرحله که از اول نوامبر ۱۹۵۴م آغاز شد؛ شروع عملیات‌های نظامی ضد نیروهای فرانسوی در نقاط مختلف کشور، درگیری‌های مسلحه و گسترش عملیات‌های شهادت‌طلبانه است.

می‌توان گفت تأثیر زیاد اندیشه‌های سید جمال الدین اسدآبادی در گسترش جنبش‌های اصلاح‌گرایانه الجزایر به ویژه در مرحله سوم جنبش مقاومتی و مرحله چهارم حرکت‌های اصلاح‌گرایانه مشهود است. از سوی دیگر اقدامات عبدالحمید بن بادیس که مبنی بر رویکرد فرهنگی-اجتماعی بود، زمینه‌ساز جنبش مقاومتی است که از ۱۹۵۴ آغاز و به استقلال ۱۹۶۲ منتهی شد؛

### ۳- جنبش اصلاح‌گرایانه بادیسیه در الجزایر

با توجه به تبیین فضا و شرایط عصر عبدالحمید بن بادیس، می‌توان گفت او یکی از اصلاح‌گران مشهور نیمه نخست قرن بیستم میلادی بود که با تأثیرپذیری از سید جمال الدین و محمد عبده، اقدامات راهبردی در مقابله و مبارزه با استعمار فرانسه انجام داد. (الموصلى، ۲۰۰۴: ۱۲۲) عبدالحمید بن بادیس معتقد بود که فرانسه هویت عربی-اسلامی الجزایری‌ها را تحریف کرده و الجزایر را به بخشی از فرانسه در آن سوی مدیترانه تبدیل کرده است. (umarah، ۲۰۰۸: ۱۹۷) پس از برنامه‌های جشن یکصدمین سالگرد اشغال الجزایر، بن بادیس نیز به تأسی از اندیشه‌های سید جمال الدین اسدآبادی، جمعیت علمای مسلمان، با هدف مقابله با سیاست‌های فرهنگی استعمار فرانسه را تأسیس کرد. (umarah، ۲۰۰۸: ۱۹۸) با وجود کنترل و حساسیت‌های فزاینده اشغالگران در راستای جداسازی الجزایر از جهان اسلام، اما عبدالحمید بن بادیس و شاگردان وی، با حرکت‌های فرهنگی به مقابله با آنها پرداختند.

نقطه آغازین و عطف در تأثیرگذاری اندیشه‌های سید جمال الدین بر اندیشه‌ها و اقدامات عبدالحمید بن بادیس، سفر محمد عبده از شاگردان برجسته و نماینده وی در سال ۱۹۰۳م. به الجزایر است. محمد عبده با علماء و اندیشمندان آنجا سلسله نشسته‌هایی به ویژه تدریس سوره عصر برگزار می‌کند و خواص و عوام با اندیشه‌های سید جمال الدین و عبده آشنا می‌شوند.

(حمیداتو، ۱۹۹۷: ۲۰) به تعبیر ابن بادیس، دو مجله «المنار» و «العروه الوثقى» به مثابه «حبل الورید» در میان امت الجزایر است. (حمیداتو، ۱۹۹۷: ۵۷) از منظر عبدالحمید بن بادیس، سید جمال الدین اسدآبادی یک شخصیت بر جسته با گفتمانی منحصر به فرد، طرفدار آزادی و ضد غرب‌گرایی و غرب‌زدگی است. همچنین او را سرچشمه اندیشه‌های تجدیدگرایانه و انقلاب‌های مردمی معرفی می‌کند، که امت اسلامی را به احراق غصب شده، همگام با انجام اصلاحات سیاسی دعوت کرد. (یاسین، ۲۰۱۳: ۴۲-۴۳) بی‌تردید اگر به آثار اندک بر جای مانده به ویژه مقالات بن بادیس در مجلات «المتقد» و «الشهاب» مراجعه شود، درمی‌یابیم که خوانش بن بادیس در اقدامات سیاسی و فرهنگی، همان خوانش سید جمال الدین است. به تعبیر بن بادیس، نسخه سید جمال الدین همان تمسمک مسلمانان به مبانی اسلامی، به ویژه جهاد در راه خدا و قیام برای احیا و بازگشت به اسلام است. سید جمال الدین، دو عنصر را منشأ فساد و ضعف در زندگی خصوصی و عمومی امت اسلامی در آسیا و آفریقا می‌دانست: استعمار عنصر بیرونی و استبداد عنصر داخلی. وی بر ضرورت مبارزه با این دو عنصر تأکید می‌کند. (مقبل، بی‌تا: ۲۷)

عبدالحمید بن بادیس به تأسی از سه شخصیت یعنی سید جمال الدین، محمد عبده و رشید رضا، اصلاح‌گرایی را اندیشه‌ای راهبردی و یک ضرورت تاریخی می‌دانست؛ زیرا درگیری میان اسلام و غرب پس از عصر رنسانس و انقلاب صنعتی وارد مرحله‌ای حساس شده است. از منظر بن بادیس، سقوط الجزایر و سپس تونس، لیبی و مغرب، زنگ خطر استعمار فراگیر و رویارویی اسلام و غرب را تشدید کرد. از این‌رو، اندیشه‌های امثال سید جمال الدین، مسلمانان را از رکود کامل خود بیدار کرد و بانگ اصلاح‌گرایی در بخش‌های مختلف جهان اسلام\_عرب را بلند کرد و خواستار استفاده از ابزارهای مختلف از جمله فرهنگی برای از بین بردن علل انحطاط و رکود شد. همچنین بن بادیس خاطرنشان می‌کند که ابزار این بیداری از منظر سید جمال الدین، بازگشت به اسلام صحیح برآمده از قرآن و سنت است. سید جمال الدین نگاه بسیار خوش‌بینانه به مردم، اندیشمندان و حتی برخی از حکام اسلامی در زمینه پیاده‌سازی اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه دارد. (سالم، ۱۹۹۹: ۸۲)

جنبش اصلاح‌گرایی در الجزایر به رهبری بن بادیس و بشیر ابراهیمی یار دیرینش، ارتباط تنگاتنگی با جنبش تجدیدگرایی اسلامی داشت که در شرق اسلامی توسط سید جمال الدین آغاز شد. (مقبل، بی‌تا: ۹-۱۰) همچنین وی متأثر از اندیشه‌های اصلاح‌گرایان دینی و زبان‌شناسی بود.

پس از سید جمال الدین و عبده، خوانش رشیدرضا و مجموعه المنار وی مورد توجه بن بادیس قرار گرفت. تحلیل گران معتقدند که آشنایی بن بادیس با رشیدرضا، مسیر حرکت وی را به سوی سلفی گردی رهنمون ساخت و از اندیشه‌های سید جمال الدین فاصله گرفت. هنگامی که محمد عبده پس از بازگشت از تبعیدگاه (پاریس) از الجزایر دیدار کرد؛ به ارائه سلسله دروس و نشست‌های مختلف عمومی و خصوصی پرداخت. (سالم، ۱۹۹۹: ۳۵) می‌توان گفت حرکت‌های سلفی به طور سازمان یافته در الجزایر از سال ۱۹۳۱ م. زمانی که بن بادیس «جمعیت علمای مسلمان» را بنا نمود، آغاز شد و جریان‌های سلفی در دهه‌های آغازین قرن بیستم در الجزایر با نام بن بادیس گره خورده است. وی که منادی اصلاح‌گرایی دینی و صیانت از میراث اسلامی و عربی الجزایر بود؛ شدیداً تحت تأثیر اصلاح‌گرایی سید جمال الدین، محمد عبده و عبدالرحمن کواکبی قرار داشت؛ اما بیش از همه، متأثر از دو تن از اساتید خویش به نام‌های بشیر صفر و شیخ محمد نخلی بود، که نخلی گرایش‌های سلفی داشت. (المیلی، ۱۳۷۰: ۹۳) از بررسی اندیشه بن بادیس آشکار می‌گردد که گفتمان وی از سخن جبهه آزادی‌بخش می‌باشد؛ بدان معنا که برخورد ابزاری و گرینشی با اسلام، پذیرش بخش بزرگی از دستاورهای تمدن غرب و اولولیت‌بخشی به مقوله ناسیونالیسم در مقابل وحدت اسلامی، جملگی از وجوده اشتراکی دو گفتمان ناسیونالیسم تجددگرای عربی و بن بادیس است.

از بن بادیس آثار زیادی بر جای نمانده است؛ بخش اعظم آثار وی در زمینه دینی به ویژه تفسیر قرآن است، که متأثر از محمد عبده و رشیدرضا است؛ اما در زمینه اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی، بن بادیس متأثر از سید جمال الدین است. (سالم، ۱۹۹۹: ۳۶) بن بادیس معتقد است که مجله «العروه الوثقى» سید جمال الدین و عبده، نقش مهم و راهبردی در جنبش بیداری جهان اسلام و عرب در دوران مدرن ایفا کرد. این مجله خطر استعمار و استبداد را گوشزد می‌کرد. بن بادیس با تأسی از رویکرد مجله العروه الوثقى، چند مجله از جمله «المتقد» و «الشهاب» را راه‌اندازی کرد. (ترکی، ۲۰۰۱: ۱۲۹؛ نعاسی، ۲۰۱۴: ۲۷-۲۸)

بن بادیس معتقد است که سید جمال الدین، اصلاح‌گرایی را در جنبه‌های دینی، علمی و اجتماعی ضروری می‌دانست؛ اما در حالی که محمد عبده، اصلاح‌گرایی را همگام با جنبش مقاومتی و رویارویی نظامی با استعمار تلقی می‌کرد. بن بادیس با وجود درک حضوری محمد عبده، اما به

کاربست اندیشه‌های سید جمال الدین پرداخت. (رشید، ۲۰۰۴: ۴) می‌توان گفت بن بادیس اندیشه‌های سید جمال الدین و محمد عبده را در الجزایر بومی‌سازی و پیاده‌سازی کرده است و آنها را به مثابه الگوی خویش قرار داده است. (عماره، ۱۹۹۱: ۳۲)

از مهم‌ترین اقدامات عبدالحمید بن بادیس که به تأسی از اندیشه‌های سید جمال الدین صورت گرفت؛ عبارتند از:

۱. نخستین و مهم‌ترین اقدام بن بادیس، تأسیس جمعیت علمای مسلمان است؛  
۲. تأسیس مجله «المتقى» در سال ۱۹۲۵م. بر اساس ایده مجله العروه الوثقی سید جمال-

الدین؛ هدف وی در این نشریه در هم شکستن نگرش صوفیانه حاکم بر الجزایر بود، که شعار «ایمان بیاور و اعتراضی نکن». را سر می‌دادند؛ به ویژه طریقت تیجانیه که پیوسته همگام با استعمار فرانسه گام بر می‌داشت. (حمدادی، ۱۹۸۴: ۱/۲۸۶) بن بادیس در راستای مقابله با نگاه تیجانیه و خوانش‌های صوفیانه دیگر همگام با استعمار فرانسه مشی عقلگرایانه و حرکت فرهنگی-آموزشی سید جمال الدین اسدآبادی و محمد عبده را در پیش گرفت. نشریه «المتقى» با لحن شدیدی از استعمار فرانسه انتقاد می‌کرد؛ بنابراین فرانسوی‌ها پس از انتشار ۱۸ شماره اقدام به توقيف آن کرد؛

۳. پس از توقيف مجله المتقى، بن بادیس دست از کار نکشید و در سال ۱۹۲۵م، هفته‌نامه «الشهاب» را با الهام از مجله «المنار» رشید رضا از شاگردان سید جمال الدین اسدآبادی منتشر کرد، که در فوریه ۱۹۲۹م. به صورت ماهنامه درآمد و تا سال ۱۹۳۹م. ادامه یافت؛

۴. از دیدگاه‌های سید جمال الدین اسدآبادی که به شدت مورد توجه عبدالحمید بن بادیس قرار گرفت، عرصه روزنامه‌نگاری است. وی دریافت که شروط موفقیت در کار روزنامه‌نگاری و انتشار نشریه، داشتن چاپخانه‌ای مستقل و شخصی است، تا کار روزنامه متوقف نگردد و با مانع برخورد نکند. بنابراین، در سال ۱۹۲۵م. «المطبعه الجزائریه الاسلامیه» را به تأسی از ایده چاپخانه مجله «العروه الوثقی» و «المنار» تأسیس کرد. (مالکی، ۱۳۹۰: ۱۳/۳۲۳)

۵. عبدالحمید بن بادیس در نظر داشت همچون سید جمال الدین اسدآبادی یک گروه مشورتی از علمای دین در الجزایر تأسیس کند و جمعیتی به نام «الاخاء العلمی» را مطرح کرد؛ اما با توجه به شرایط جامعه در انجام این طرح ناکام ماند؛

۶. از دیگر اقدامات مطرح بن بادیس که بازتاب اندیشه‌های سید جمال الدین، محمد عبده و رشید رضا است؛ تأسیس «نادی الترقی» است؛ این باشگاه فرهنگی، محل نشست علمای اصلاح گر الجزایر به شمار می‌رفت. (مالکی، ۱۳۹۰: ۳۲۳-۳۲۴)

**جمعیت علمای مسلمان الجزایر:** صد سال پس از استعمار الجزایر، جمعیت علمای مسلمان برای حفظ و پاسداشت زبان عربی، دین اسلام و الجزایر توسط گروهی از علماء به رهبری بن بادیس تأسیس شد. (الترکی، ۱۹۸۱: ۲۳) با توجه به شرایط استعماری که الجزایر در آن در حال گذر بود و فضای دینی که جریان محافظه‌کار نسبت به جریان اصلاح گرا در اکثریت بودند؛ ازین رو می‌توان گفت یکی از حساس‌ترین مراحل تاریخی، مرحله تأسیس جمعیت علمای مسلمان الجزایر است.

عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری این جمعیت عبارتنداز:

۱. بازتاب اندیشه‌های سید جمال الدین اسدآبادی، محمد عبده و رشید رضا بر جریان اصلاح گرای الجزایر؛
  ۲. انقلاب آموزشی عبدالحمید بن بادیس که زمینه‌ساز یک حرکت علمی و عقل‌گرایانه در جامعه الجزایر گردید؛
  ۳. رشد عمومی فکری مردم الجزایر پس از جنگ جهانی اول؛
  ۴. بازگشت گروهی از روشنفکران الجزایری که پیش‌تر در مشرق عربی به ویژه حجاز و شام به سر می‌بردند؛ همانند بشیر ابراهیمی و عقبی. (ابولحیه، ۲۰۱۶: ۲۷)
- بن بادیس به تدریج و پس از سال‌ها مبارزه، اصلاح اجتماعی، فرهنگی و تربیتی دریافت که باید یک تشکیلات منظم سازمان یافته ایجاد نماید، که اتاق فکر همه گروه‌های مبارز و دیگر جمعیت‌ها گردد. این جمعیت در سال ۱۹۳۱ م. در کلوب «الترقی» پایتخت تأسیس شد. (ترکی، ۱۹۸۱: ۱۵۵) سپس بن بادیس همه علمای مسلمان در الجزایر را بدان فراخواند و فعالیت‌های خود را به‌طور رسمی در مساجد، مدارس و کلوب‌ها آغاز کردند. جمعیت علمای مسلمان درگام نخست هدف فرهنگی-تربیتی را مطرح کرد، تا از گزند استعمار در ابتدای کار خود در امان بماند. اقدامات

جمعیت علمای مسلمان بر محور مسائل آموزشی متمرکز گردید؛ از این‌رو سلسله مدارسی با رویکرد اصلاحی-تریبیتی و به زبان عربی در جای‌جای الجزایر راهاندازی کردند. درواقع به‌دلیل ماهیت استعمار فرانسه که فرهنگی بود؛ از این‌رو، بن‌بادیس معتقد بود که خط‌مشی فرهنگی-آموزشی، تأثیر زیادی بر عرصه سیاسی الجزایر می‌گذارد و ضربات سختی بر استعمار وارد می‌کند؛ می‌توان گفت جمعیت علمای مسلمان بزرگترین جنبش اصلاح‌گرایانه در الجزایر در عصر استعمار فرانسه محسوب می‌شود. هدف کلی و نهایی بن‌بادیس از ارائه فعالیت‌های مختلف در زمینه فرهنگی، علمی و اجتماعی بسترسازی برای رهایی از استعمار و ایجاد یک دولت ملی در الجزایر بود؛ از این‌رو، برنامه‌های جمعیت علمای مسلمان از دهه سی میلادی، بر سه محور متمرکز گردید:

۱. مدرسه (آموزش دختران و پسران و حفظ و حراست از زبان عربی، دین اسلام و تاریخ الجزایر)؛

۲. تکیه بر مساجد و جوامع برای تدریس، وعظ و خطابه؛

۳. کلوپ‌ها؛ برای سازماندهی جوانان و تربیت دینی، اجتماعی و ملی آنها و ارتباط نهادهای ورزشی و فرهنگی. (ترکی، ۲۰۰۴: ۷۱)

رویکرد جمعیت علمای مسلمان برگرفته از اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی و بیشتر محمدعبده و رشید‌رضا است.

می‌توان گفت عبدالحمید بن بادیس در کنار اقدامات و تکاپوهای گسترشده فردی، اقدام به نهادسازی کرد و با تأسیس جمعیت العلماء الجزایر، همکاری همه نخبگان این سرزمین را به سوی اهداف جریان اسلام سیاسی جلب کرد، در اثر فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی این جریان بود که مردم الجزایر دریافتند برای بازگرداندن حیات و سرزنشگی به جامعه باید استقلال خود را از فرانسه بازیابند. جبهه آزادی بخش ملی و جنبش استقلال الجزایر در فراهم شدن زمینه‌های ظهور و بروز خود عمیقاً و امداد جریان اسلام سیاسی در الجزایر است. ابن بادیس بر این باور بود که هویت الجزایری‌ها متشكل از «عروبت و اسلامیت» است. وی با وجود روحیه محافظه‌کارانه و محتاطانه در مقابل استعمار فرانسه، اما از فضای جنگ جهانی اول استفاده کرد؛ زیرا فرانسه به دلیل حضور در عرصه جنگ جهانی، توجه کمتری به مسائل الجزایر می‌نمود. از عملکردهای مثبت و تأثیرگذار به تأسی از سید جمال‌الدین، ایجاد مدارسی برای آموزش زبان عربی به کودکان بود، که از ابتدای

اشغال الجزایر، حرکتی بی نظیر بود. از سوی دیگر ابن بادیس همگان را به قرآن و حدیث به عنوان یک مقوله وحدت آفرین دعوت می کرد. در واقع، الجزایر معاصر «اسلام جهادی» را از طریق مبارزات و اقدامات امیر عبدالقادر، شریف بوبلغه، لاله فاطمه نسومر و... علیه استعمار فرانسه در قرن نوزدهم و «اسلام سیاسی» را از طریق جمعیت علمای مسلمان که عبدالحمید بن بادیس در آغاز قرن بیستم پایه گذاری کرد و فعالیت فکری و فرهنگی را هم ردیف فعالیت سیاسی قرار داد، شناخت. جمعیت علمای مسلمان مادر ملت الجزایری بوده است. این امر تا تشکیل جبهه نجات اسلامی که خود را استمرار جمعیت ابن بادیس می دانست، ادامه یافته است. ادبیات احزاب سیاسی اسلامی امروز الجزایر انباسته از این وصف است که جنبش های آنان، مکمل و متمم جنبش جهادی است، که پیشتر عبدالحمید بن بادیس بر ضد استعمار رهبری می کرد.

### ۳-۱- ویژگی های راهبردی جنبش بادیسیه و تحلیل رویکرد اصلاح گرایانه دینی عبدالحمید بن بادیس

با توجه به بیان سیر تاریخی و تبارشناسی حرکت های اصلاح گرایانه و جنبش های مقاومتی، می توان گفت حرکت اصلاح گرایانه بادیسیه از سه مؤلفه برخوردار است:

نخست- ترویج و اصلاح رویکرد عقل گرایانه الجزایری ها؛

دوم- اصلاح مبانی عقیدتی الجزایری ها؛

سوم- اصلاح اخلاق و رفتارها (آداب و رسوم) و مبارزه با خرافات و توهمات.

از سوی دیگر حرکت بادیسیه از ویژگی های متعددی برخودار بود که پیش از او بی سابقه به نظر می رسد؛ از مهم ترین ویژگی های حرکت بادیسیه عبارتنداز:

۱- عدم تبعیض گرایی میان شهروندان الجزایری و دعوت همه آنها از طریق برگزاری

نشست ها، کلاس ها، روزنامه ها و...؛ (الطالبی، ۱۹۶۸: ۲/ ۱۹۹)

۲- بر جسته ترین ویژگی فکری بن بادیس، عقل گرایی اوست؛

۳- تساهل و تسامح؛

۴- توجه به ابزارهای هر عصر در ترقی و پیشبرد اصلاح گرایانه همانند روزنامه و هنر؛ (سالم،

(۱۹۹۹: ۸۳)

۵- اساس رویکرد اصلاح گرایانه بادیسیه، قرآن، سنت و زبان عربی است.

- ۶- از منظر بن بادیس، اصلاح در روند آموزش و پرورش مقدم بر همه عرصه‌های فرهنگی-اجتماعی است.
- ۷- خوانش بن بادیس به اسلام و انسان، فراتر از نگاه جزم‌گرایانه است؛
- ۸- ستیز با همه جلوه‌های عقب‌ماندگی و ملزمومات آن؛
- ۹- حرکت بادیسیه آمیزه‌ای از اندیشه‌های سید جمال الدین اسدآبادی ، محمدعبده و رشیدرضا است؛
- ۱۰- خطمشی عبدالحمید بن بادیس در قبال تمدن جدید، آمیزه‌ای از روش سنتی و غربی است. هیچگاه دستاوردها و علوم غربی را رد نکرد؛ بلکه بیوسته بکار می‌بست و دعوت به کاربست آنها می‌کرد.
- ۱۱- از منظر بن بادیس، اسلام، نقش محوری دارد؛ اما نه اسلام صوفیانه و یا ذهنیات و انتزاعات التقاطی؛ بلکه نوعی روش فکری و عملی، که دستاوردهای مثبت گذشته را به آینده انتقال دهد. (مالکی، ۱۳۹۰: ۱۳۸)
- ۱۲- احیای زبان عربی از عناصر اصلی و زیربنایی حرکت بادیسیه به شمار می‌رود. او توجه ویژه‌ای به آموزش و توسعه زبان عربی داشت.

دیدگاه‌های فکری و سیاسی عبدالحمید بن بادیس به طور کلی و عمومی نمایانگر رویکرد اصلاح‌گرایانه در الجزایر محسوب می‌شود. اصول فکری وی و زمینه‌سازی شکل‌گیری دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گردید، که به دو سازوکار اساسی صورت می‌گرفت:

نخست- دعوت به بازگشت به سلف صالح؛

دوم- کاربست سازوکارهای پیشرفت غربی.

این دو سازوکار، در راستای چاره‌اندیشی و تدبیر سیاسی در زمینه قانون اساسی و مقتضیات آن است.

از مهم‌ترین ویژگی‌های مورد تأکید عبدالحمید بن عبدالحمید در زمینه رویکرد اصلاح‌گرایانه دینی عبارتنداز:

- ۱- زیستن براساس مقتضیات زمان؛ ابن بادیس می‌گوید: «فرزند زمانه خویش باش. با دورانی که در آن هستید، زندگی کن؛ همراه با ابزارها و سازوکارهای مناسب زندگی و

راههای پسندیده همزیستی و تعامل. در اندیشه، کار، صنعت، کشاورزی، شهرنشینی و تبلیغات خود به روز باش. همچنین در هنگام انجام معاملات و داد و ستد چه در گفتار و چه در کردار صادق باش.» (الطالبی، ۱۹۶۸: ۱۷۸)

۲- آزادی؛ از دیدگاه عبدالحمید بن بادیس، اسلام اصیل تنها با وجود آزادی قابل تحقق است. وی می‌گوید: «حق هر انسانی برای داشتن آزادی، یکی از حقوق او در زندگی محسوب می‌شود و به میزان برخورداری از زندگی، همان میزان از آزادی برخوردار است. همچنین کسی که در بخشی از آزادی خود مورد خدشه قرارگرفته است؛ مانند کسی است که در بخشی از زندگی خود مورد اجحاف قرارگرفته است. همان‌گونه که خداوند در زندگی دلایل و انگیزه‌ها و گزندهایی قرار داد، در آزادی نیز علل و آفتهایی قرار داد. از سنت‌های دیرین خداوند این است که به یکی از آن دو (زندگی و آزادی) نعمت نمی‌بخشد؛ مگر کسی که به ابزارهایی فراروی خود چنگ زند و از آفات آنها دوری کند و در برابر آنها ایستادگی کند.» (بغوره، ۲۰۱۹: ۱۳-۱۴)

۳- ضرورت تمایز میان ابعاد مختلف فرهنگ جهانی؛ با وجود اینکه الجزایر در دهه سی قرن بیستم در زیر یوغ استعمار به سر می‌برد؛ اما این مانع از این نشد که عبدالحمید بن بادیس به روشی میان فرانسه به عنوان یک قدرت بین‌المللی و تمدنی از یک سو و استعمار فرانسوی به مثابه یک نیروی ویرانگر تمایز قائل شود. عبدالحمید بن بادیس می‌گوید: «ما میان روح انسانی و روح استعماری در هرملتی تفاوت زیادی قائل هستیم؛ هر چقدر از این متنفر باشیم و در برابر آن مقاومت کنیم؛ از آن حمایت و تأیید می‌کنیم؛ زیرا یقین داریم همه گزندها و بلاهای دنیا از این رو است و هر چیز خیر و خوبی که بشر به آن امیدوار است؛ در روزی خواهد آمد؛ تا روح استعمار را واژگون سازد و آن را به زیر کشد و روح انسانی را فزونی بخشد و بپراکند.» (بغوره، ۲۰۱۹: ۱۴)

عبدالحمید بن بادیس به تقویت برداشت خوانش مبنی بر «جماعت مسلمانان»، که در نظام ولای آن را طرح کرد، پرداخت و آن را در سیزده اصل چارچوب‌بندی کرد: ۱- مردم سalarی؛ ۲- کارایی همان معیار ولای؛ ۳- ضرورت نظارت اولی الامر؛ ۴- حاکم حق نصیحت و راهنمایی دارد؛ ۵- ملت باید از حاکم در صورت ایستادگی ولی پشتیبانی کنند؛ ۶- از جمله حقوق حاکم بر ملت این است که در صورت دور شدن از حقیقت، او را نصیحت و راهنمایی کنند و اگر به لحاظ رفتاری،

منحرف گردید؛ ۷- او را به راه مستقیم بازگرداند؛ ۸- از جمله حقوق ملت، سنجش و محاسبه حاکم است؛ ۹- از جمله وظایف حاکم این است که به تبیین نقشه راه خویش بپردازد؛ ۱۰- حاکمیت قانون مردم، برابری در پیشگاه قانون؛ ۱۱- لزوم پاسداری (حفظ و حراست از) حقوق، حفظ تعادل و تناسب میان طبقات مردم؛ ۱۲- ضروری است که حاکم و مردم هر دو بر اساس مسئولیت مشترک فی مابین، در راستای مصلحت جامعه بکوشند. (بغوره، ۲۰۱۹: ۲۳)

بنابراین درمی‌باییم که در بسیاری از استدلال‌های خود از فرهنگ فرانسوی، اصول انقلاب فرانسه و ارزش جمهوری گرفته است، که از نظر وی با ارزش‌های اسلام همگراست. همچنین از جنبه‌های تکنولوژی و علمی تمدن غرب استقبال کرد. اگرچه نگرانی و احتیاط خود را از ارزش‌های غربی و حضور کلیسا و مسیحیان در الجزایر ابراز می‌کرد؛ زیرا ابن بادیس بر این عقیده بود که نمایندگان مسیحیت در الجزایر به همان اندازه که نمایانگر سیاست استعماری هستند؛ روح واقعی مسیح را نمایندگی نمی‌کنند. در همین راستا دیدگاه‌های انتقادی پیرامون کاتولیک داشت، که به دور از تعصب، افراط‌گرایی یا خشونت بود.

روشن است که این برداشت از نظام سیاسی در اسلام، مربوط به نظریه خلافت نیست؛ بلکه یک مفهوم عصری از سیاست و دولت را ایجاد می‌کند که نقطه مرکزی و حاضر در ساختار آن، مردم است و نه خلیفه. این امر در این پروژه اصلاً ذکر نشده است. اگر به مطالعه اصول سیزده‌گانه که برای نظام سیاسی وضع شده است، بپردازیم؛ درمی‌باییم که از منظر ابن بادیس مردم، منبع قدرت هستند. بنابراین حکمرانی بر مردم مگر براساس قانونی که مورد پذیرش و تصویب مردم باشد؛ مسئولیت در چارچوب قانون، امری مشترک میان حکومت و شهروندان است.

## نتیجه

ابن بادیس در دورانی پرورش یافت که دیگر از جنبش‌های مسلحه الجزایریان در برابر استعمار فرانسه نشانی نبود. از یک سو شکست این جنبش‌ها و از سوی دیگر تشدید فشار در روستاهای از راه غصب زمین کشاورزان و بستن مالیات‌های سنگین بر آنان، سربازگیری اجباری و تحمل قوانین ناظر به افراد بومی، به پیدایی گروهی از روشنفکران مساوات‌طلب و همه‌گیر شدن مسائل سیاسی و اجتماعی بر اثر انتشار مطبوعات و تأثیرپذیری از جنبش ترکان جوان و جنبش‌های عربی و اسلامی، و طلوع اندیشه استقلال‌جویی انجامید. بنابراین در آن روزگار مبارزه الجزایریان با

استعمار فرانسه بر روی هم خصلت سیاسی داشت و هدف‌های متفاوتی را از مطالبه برخی حقوق سیاسی گرفته تا استقلال کامل دنبال می‌کرد.

مجله‌های المنار و عروه الوثقی و نیز دیدار شیخ محمد عبده از الجزایر، در اندیشه اصلاح طلبانه ابن بادیس تأثیر به سزاوی داشت. او بدین‌ختی‌های الجزایر را در سه مورد استعمار خارجی درنده خوی سرکوبگر، استعمار روحی طریقت‌های صوفیانه و سرسپردگان به بیگانه می‌دید و از این رو مبارزه‌اش را در این سه راستا جهت بخشید. او در برابر مسائل اجتماعی، سیاسی و دینی برخوردي خردگرایانه داشت که در قیاس با آموزش ستی وی شگفت‌انگیز بود. ابن بادیس نیز همچون همه مصلحان سده اخیر به تبلیغ شعار «بازگشت به قرآن و سنت سلف صالح» روی آورد. از دید او چنین بازگشتی تنها زمانی می‌تواند حرکت آفرین باشد که اسلام موروثی مبتنی بر جمود و تقلید و جهل را نقی کند. با این‌همه ساختمن حال و آینده را تنها بر پایه‌های ثابتی همچون میراث فرهنگی و هویت ملی می‌توان برافراشت که ریشه درگذشته دارد، و درست از همین روست که توسعه زندگی اجتماعی و اقتصادی بر شالوده دانش امروز و فرآگیری زبان‌های خارجی و علوم و فنون نو اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

ابن بادیس در زمینه خلافت، نظری خاص داشت. در آن دوران اغلب سلفیان اهل سنت برای تحقق حکومت شرعی به نظام خلافت چشم دوخته بودند، اما او به جای خلافت، ایجاد «جماعه المسلمين» را پیشنهاد می‌کرد که در حقیقت شورایی از برگزیدگان تحصیل کرده و کارдан بود. این شورا نباید به هیچ دولتی وابسته شود و برای حفظ استقلال و آزادی خود باید خصلتی عمدتاً غیر سیاسی داشته باشد. از دید ابن بادیس تصمیم‌گیری در کارهای سیاسی و اداری مردم با خود آنان است و هیچ فرد یا گروهی حق ندارد به جای آنان تصمیم بگیرد. از این رو خلافت را خیالی تحقق‌ناپذیر می‌دانست و از اینکه آناتورک بساط آن را برچید، استقبال کرد. بن بادیس با مرزبندی ابعاد مثبت و منفی در میراث کهن اسلامی، به گذشته مانند سلفیان آرمانگرا که مدینه فاضله خود را فقط در گذشته می‌جویند، نمی‌نگرد؛ بلکه او به مثابه یک فیلسوف از دستاوردهای مثبت گذشته کمک می‌گیرد تا آینده را بسازد. بنابراین او به آینده چشم دوخته است نه به گذشته. با این نگرش است که او به تاریخ الجزایر و تاریخ عرب توجه دارد. از این رو تاریخ یا گذشته در نظر او عبارت است از تحولات و دگرگونی برای ساختن آینده. گذشته در نظر بن بادیس برای مدح و عشق و رزی نیست؛ بلکه برای نقد و تفسیر و نتیجه‌گیری و پیشگویی آینده است. با توجه به این موارد می‌توانیم

بگوییم بن بادیس به عقل‌گرایی قرن بیستم راه یافته است. عقل‌گرایی بن بادیس زاییده راه یافتن وی به راز برتری مغرب زمین است، ولذا وی تردیدی به خود راه نمی‌دهد که مردمان را به فراگیری و آموزش شیوه‌های مترقی و پیشرفته غربی بخوانند. وی بر این باور بود که باید بین عقل‌گرایی و اسلام تفاهم و آمیزش صورت گیرد.

## منابع

- احمد حمزه، عبداللطیف (بی‌تا). *الصحافه المصريه فى مائه عام*، مصر: دارالقائم.
- ابوالحیه، نورالدین (٢٠١٦). *جمعیه العلماء المسلمين و الطرق و تاریخ العلاقة بينهما - دراسة علمیة*، الجزائر: دارالانوار.
- الافغانی، جمال الدین\_عبدله، محمد (١٣٣١). *العروه الوثقى*، تحقيق: سیدهادی خسروشاهی، طهران: المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب.
- برومند اعلم، عباس (١٣٩٠). *جهاد صوفیان در مغرب اسلامی؛ مقاومت امیر عبدالقدار الجزایری و دیگر شیوخ صوفیه در برابر استعمار فرانسه ١٨٣٠-١٨٩٠*، مجله پژوهشنامه تاریخ اسلام، ش. ٢.
- بوقرن، عبدالله (٢٠٠٥). «دور المدرسه الاستعمارية في الاستلام الحضاري»، مجله المعيار، ع. ١٠.
- تركی، رابح (١٩٧٥). «ابن بادیس و نشأة الحركة الاصلاحية في الجزائر»، الجزائر: مجلة الاصاله، وزارة التعليم الاصلي و الشؤون الدينی، ع. ٢٤.
- تركی، رابح (٢٠٠١). *الشيخ عبدالحميد بن بادیس رائد الاصلاح و التربية في الجزائر*، الجزائر: المؤسسة الوطنية للاتصال.
- تركی، رابح (١٩٨١). *التعليم القومي و الشخصي الوطني (١٩٣٩-١٩٥٦)*، الجزائر: الشرکه الوطنیه للنشر و التوزیع.
- تركی، رابح (٢٠٠٤). *جمعیه العلماء المسلمين الجزائريين التاريخیه (١٩٣١-١٩٥٦)* و روساوها الثالثة، الجزائر: المؤسسه الوطنیه للفنون المطبعیه.
- حمیداتو، مصطفی محمد (١٩٩٧). *عبدالحميد بن بادیس و جهوده التربويه*، الجزائر: كتاب الامه.
- حمادی، احمد (١٩٨٤). *صراع بين السنّة والبدعّة*، قسطنطینیه: دارالبعث.
- خلیل، سلمی (٢٠١٣). *المهاجرون الجزائريون في البلاد العربية و نشاطهم اتجاه الثورة التحريرية (١٩٥٤-١٩٦٢)*، الجزائر: جامعه بسكره.
- خیرالدین، محمد (٢٠٠٢). *مذکرات محمد خیرالدین*، بی‌جا: مؤسسه الضحی.
- ریبع، حامد (١٩٧٤). *العرب النفسيه في المنطقه العربيه*، بیروت: المؤسسه العربيه الدراسات و النشر.

- الراجعي، عبدالرحمن (۱۹۸۳). *الثورة العربية والاحتلال الانجليزي*، القاهرة: دار المعارف.
- الراجعي، عبدالرحمن (بيتا). *الزعيم الشائر احمد عرابي*، مصر: مطباع الشعب.
- رشيد، فايز (۲۰۰۴). *ثقافة المقاومه*، بيروت: الموسسه العربيه للدراسات و النشر.
- رنجبر، مقصود (۱۳۹۰). *اندیشه سیاسی متفکران مسلمان*، جلد ۹، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- الزبیر، سيف الاسلام (۱۹۸۲). *تاريخ الصحافه في الجزائر*، الجزائر: الشركه الوطنيه.
- ذکى احمد، صالح (۲۰۰۱). *اعلام التهضيء العربي الاسلامي في العصر الحديث*، القاهرة: مركز الحضارة العربية.
- سالم، محمد بهى الدين (۱۹۹۹). *ابن باديس فارس الاصلاح والتونير*، القاهرة: دار الشروق.
- سعدالله، ابوالقاسم (۱۹۹۸). *تاريخ الجزائر الثقافي*، ج ۴ (۱۸۳۰-۱۹۵۴)، بيروت: دار الغرب الاسلامي.
- سعدالله، ابوالقاسم (۱۹۹۸). *تاريخ الجزائر الثقافي*، ج ۵ (۱۸۳۰-۱۹۵۴)، بيروت: دار الغرب الاسلامي.
- سمارى، جواد كاظم (۲۰۰۶). *الاتجاهات الاصلاحية في الفكر السياسي الاسلامي المعاصر*، العراق: جامعة الكوفه.
- الطالبي، عمار (۱۹۶۸). *ابن باديس حياته و آثاره*، الجزائر: دار مكتبه الشركه الجزائريه للتاليف و الترجمه.
- عماره، محمد (۲۰۰۸). *شخصيات لها تاريخ*، القاهرة: دار السلام.
- عماره، محمد (۱۹۹۱). *الصحوه الاسلاميه و التحدى الحضاري*، القاهرة: دار الشروق.
- عماره، محمد (۱۹۹۷). *تيارات الفكر الاسلامي*، القاهرة: دار الشروق.
- علوش، سمايلي زوليخه (۲۰۱۳). *تاريخ الجزائر (من فتره ما قبل التاريخ الى الاستقلال)*، الجزائر: دار ذايرانفو.
- العلوى، محمد الطيب (۱۹۹۴). *مظاهر المقاومه الجزائرية (۱۸۳۰-۱۹۵۴)*، الجزائر: المتحف الوطنى للمجاهد.
- كروى، كريمه (۲۰۱۰). *حركات الاسلاميه و المشاركه السياسيه فى دول المغرب الاسلامي*، الجزائر: جامعه الجزائر.
- الكومى، سامي عبدالعزيز (۱۹۹۲). *الصحافه المصريه فى القرن التاسع عشر*، المنصورة: دار الوفاء.
- مالكى، محمد ابراهيمى، منار (۱۳۹۰). *اندیشه سیاسی متفکران مسلمان*، جلد ۱۳، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- محند، الطيب سى الحاج (۲۰۰۴). *لالة فاطمه نسومر و دورها فى المقاومه الشعبيه للاحتلال الفرنسي*، دور الطريقه الرحمنیه فى تعپئه و قياده المقاومه الشعبيه فى مناطق القبائل، تيزى وزو: فرع المركز الثقافی الاسلامي.

- مقبل، توفيق محمد (بیتا). عبدالحمید بن بادیس رائد الاصلاح و النهضه فى تاريخ الجزائر الحديث، الجزائر: بیجا.
- الموصلى، احمد (٢٠٠٤). الموسوعه الحركه الاصلاحية، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية.
- الميلى، محمد (١٣٧٠). ابن بادیس و الجزائر، ترجمه: حسن يوسف اشكوري، تهران: نشر يادآوران.
- نایلی، عبدالقادر (٢٠١٣). المقاومات و الانتفاضات الشعبية (من خلال المجله الافريقيه انتفاضه الزعاطشه نموذجا)، الجزائر: دارالهدى.
- نعاسي، وفا (٢٠١٤). الطلبه الجزائريون الزيتونيين و الحركه الاصلاحية الجزائرية (١٩٥٤-١٩٠٠)، الجزائر: جامعه بسكره.
- ناصر، محمد (٢٠٠٧). «الصحيفه الجزائري نشاتها، تطورها و اعلامها من ١٩٣١ الى ١٩٠٣»، الجزائر: وزارة الثقافه.
- هلال، عمار (١٩٨٤). «الطلبه الجزائريين في الازهر عام ١٩١٦»، الجزائر: مجله الثقافه، وزارة الثقافه و السياحة، ع ٧٩.
- ياسين، توفيق خلف (٢٠١٣). «العوامل المؤثره على الفكر السياسي الشيخ عبدالحميد بن بادیس»، مجلد ٩، سال ٩، ع ٣٣.

# Examining the religious reformist approach of Abd al-Hamid bin Badis in confronting French cultural colonialism in Algeria

## Abstract

majid menhaji<sup>1</sup>

1- PhD in Islamic History-Tarbiat Modares University of Tehran

### Abstract

Abd al-Hamid bin Badis (1889-1940) is considered one of the greatest contemporary reformist religious figures in Algeria and in the Arab world and the Islamic world. At a time when the French colonization tried to deprive the Algerian people of their Islamic and national identity and even finally decided to annex Algeria to the French territory, Ben Badis, by establishing the "Jamayat Ulama Muslimin", tried to revive Islam and the Arabic language and culture. and rely on the national spirit to neutralize colonial conspiracies. . By adopting a cultural and educational policy, he had a great impact on the Algerian political arena and dealt a heavy blow to French colonialism. The current study has a descriptive-analytical approach and its main goal is to investigate the religious reformist approach of Abdul Hamid bin Badis in confronting French cultural colonialism in Algeria. The main questions of this research are

**Key word:** Arab world, Algeria, Seyed Jamaluddin Asadabadi, Abdul Hamid bin Badis